

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد محمد نسیم "اسیر"
فرانکفورت – المان
۲۳ اکتوبر ۲۰۰۹

هندو گذر

یک آرزو

اگر در کابل زیبا دگر بارم گذر افتد
به جان رفته از چنگم ، دمد روح دل انگیزی
به یاد خاطرات کودکی و نو جوانی ها
ز کوه آسمانی تا به کوه شیر دروازه
قسم با شیر مادر ، جوی شیرم یاد می آید
گاهی در شهر نو ، گاهی به شهر کهنه بشتابم
به شور و شرجو بینم جمع وجوش شور بازارش
ز شا طاووس و از بالاحصار و خضرو پنجه شاه
گر از "دروازه لوری" روم سوی ریکا خانه
گه از باغ علی مردان ، قدم سوی چمن مانم
رواق عید گاهم می دهد یاد "امان الله"
سرچوک وطن از گرمجوشی چوک خواهد بود
پل خشتی که با هر سنگ و خشتش آشناییهاست
سرای "شازده" مصروف دلالی و صرافیت
پل باغ عمومی ره به سوی مندوی دارد
ز شرق و غرب کابل کوچه هارا نام بسیار است
«اسیر» این آرزو از حد فزون گردیده در جانم

ز شکر این سعادت در دهان من شکر افتد
بچشم داده از کف روشنی، کُحل البصر افتد
سر تعظیم خم سازم به هرجا تا نظر افتد
ز فرط اشتیاقم ره به هر کوه و کمر افتد
چه خوش بختی اگر چشمم به آن زیبا اثر افتد
سراغ از "سنتراشی" جانب هندو گذر افتد (۱)
روم سوی خرابات و به دل شور دگر افتد
ز کوه "کاسه بُرج" ام لرزه بر اندام در افتد
بهر پیچ و خم آن کوچه یاری در نظر افتد (۲)
گه از راه چمن در زنده بانانم گذر افتد
که از نامش به جان دشمنان دون شرر افتد
از آن در کاه فروشی هم گذار مختصر افتد
زنم خشتی بسرگر خشت اوکم از شمر افتد (۳)
در انجا هر که را راهست در کف سیم و زرافند
اگر غافل شود کس، کاروبارش در خطر افتد
که هر چه بیشتر گوئی به یادت بیشتر افتد
چه موزونست اگر روزی به آنسویم سفر افتد

به من گفتند اثر از آنهمه خوبی نمی یابی
چه درد آور اگر این آرزویم بی ثمر افتد

۱ - گذر سنگ تراشی

۲ - دروازه لاهوری

۳ - منظور از "شمردن" است